

مقاله پژوهشی اصیل**تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی:****نقش تعهد هویت****امید شکری<sup>۱</sup>**

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم

**دکتر عزیزا... تاجیک اسماعیلی**

دانشگاه تربیت معلم

**زهرة دانش‌پور**

دانشگاه تربیت معلم

**زیبا غنایی**

دانشگاه تربیت معلم

**رضا دستجردی**

دانشگاه تربیت معلم

**هدف:** این پژوهش با هدف بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان انجام شد. **روش:** در یک بررسی مقطعی، در نمونه‌ای متشکل از ۳۷۶ آزمودنی (۱۵۸ پسر و ۲۱۸ دختر)، پرسشنامه سبک‌های هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی اجرا شد. با استفاده از تحلیل مسیر، اثرات مستقیم و غیر مستقیم سبک‌های هویت بر تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. **یافته‌ها:** سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی اثر مثبت و معنادار؛ سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و معنادار و بر استقلال اثر منفی و معنادار، و سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی و معنادار نشان داد ( $p < 0/05$ ). اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار؛ اثر غیر مستقیم سبک هویت هنجاری از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار و اثر غیر مستقیم سبک هویت سردرگم/اجتنابی از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود منفی و معنادار به‌دست آمد ( $p < 0/05$ ). **نتیجه‌گیری:** در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که اجتناب از مواجهه با مسائل مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که نه تنها وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه با تکالیف و موضوعات مربوط به هویت نیز در پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی افراد بسیار مهم است.

**کلیدواژه‌ها:** تفاوت‌های فردی، سبک‌های هویت، بهزیستی روان‌شناختی، تعهد هویت

**مقدمه**

نوجوانان در مواجهه با تکلیف شکل‌گیری هویت، ذهن خود را بر روی موضوعات مهمی از قبیل انتخاب حرفه، اعتقادات مذهبی و ایده‌آل‌های سیاسی در زندگی متمرکز می‌کنند. البته مواجهه نوجوانان با چنین موضوعات و مسائلی متفاوت است. برای

مثال آنان ممکن است به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و بر اساس آنها تصمیم‌گیری نمایند، یا ممکن است دستورالعمل‌های پیشنهادشده به‌وسیله افراد مهم را بپذیرند. هدف کلی مطالعه حاضر شناخت و اندازه‌گیری ارتباط و تأثیراتی است که سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی<sup>۲</sup> دانشجویان دارند.

۱ - نشانی تماس: تهران، خیابان خاقانی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی

Email: oshokri@yahoo.com

2 - psychological well-being

امید شگری و همکاران

(برزونسکی، ۱۹۹۰؛ برزونسکی و نیمیر، ۱۹۹۴؛ برزونسکی و فراری<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ دولینگر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ نورمی<sup>۸</sup>، برزونسکی، تامی<sup>۹</sup> و کینی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۷).

به نظر می‌رسد که افراد با هویت موفق یا دیررس آنچه را سبک اطلاعاتی نامیده می‌شود مورد استفاده قرار می‌دهند (برزونسکی و نیمیر، ۱۹۹۴؛ استریتمتر، ۱۹۹۳). این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نیز نشان می‌دهند؛ هدفمند به جستجو و ارزیابی مبادرت ورزیده و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد و اطمینان لازم را نشان می‌دهند؛ نسبت به دیدگاه‌های خود موضعی شکاکانه اتخاذ کرده و مشتاقانه قضاوت خود را به تأخیر انداخته و در مواجهه با بازخورد ناهمساز، ابعاد خودساخته وجود خود را مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰). استفاده از سبک هویت اطلاعاتی با نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تعمق درباره خود، مقابله مسأله‌مدار، بهزیستی ذهنی، سازگاری، وظیفه‌شناسی و توافق رابطه مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کاک<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰؛ برزونسکی و سالیوان<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۲؛ دولینگر، ۱۹۹۵؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷).

افراد با هویت زودرس به کمک آنچه سبک پردازش هنجاری نامیده می‌شود، مشخص می‌شوند (برزونسکی و نیمیر، ۱۹۹۴؛ استریتمتر، ۱۹۹۳). این افراد با درونی‌کردن ارزش‌ها و باورهای «دیگران مهم» و به دلیل عدم استفاده از خودارزیابی‌های سنجیده، با موضوعات مربوط به هویت به صورت خودکار مواجه می‌شوند (برزونسکی، ۱۹۹۰). مطالعات نشان می‌دهند که افراد هنجاری، وظیفه‌شناس و سازگار هستند، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند. اما این افراد در مواجهه با ابهام تحمل کمی از خود نشان داده، نیاز بالایی نسبت به ساختار دارند و در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آنها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰؛ برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲؛ دولینگر، ۱۹۹۵؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷).

در نظریه روانی - اجتماعی اریکسون شکل‌گیری هویت با حل موفقیت‌آمیز بحران هویت همراه است. اریکسون رشد را به مثابه مجموعه‌ای از تعارض‌ها در سطوح سنی مختلف تلقی می‌کند که نتیجه تعامل بین محیط اجتماعی و رشد فردی است (اریکسون، ۱۹۶۳، به نقل از ولوراس<sup>۱</sup> و بوسما<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). شکست یا موفقیت در حل هر یک از تعارض‌ها، موفقیت در پاسخدهی به تعارض‌های آتی را پیش‌بینی می‌کند (این موضوع به اصل اپی‌ژنتیک معروف است). حل موفقیت‌آمیز تعارض‌ها با پدیدآیی و بازپدیدآیی احساس یکپارچگی درونی رو به رشد، افزایش قضاوت مناسب و ظرفیت خوب عمل کردن رابطه نشان می‌دهد (همان‌جا).

مطابق نظریه روانی - اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸)، به نقل از برزونسکی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) درباره شخصیت، هویت به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود از آن استفاده می‌کند. در خلال سه دهه گذشته، اکثر محققان مفهوم‌سازی‌های خود درباره شکل‌گیری هویت را در قالب مدل وضعیتی ماریسا (۱۹۶۶، به نقل از همان‌جا) ارائه کرده‌اند. الگوی برزونسکی بر آن دسته از فرآیندهای اجتماعی - شناختی مبتنی است که در طی آن افراد بر اساس شیوه ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفتگو درباره موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند (برزونسکی، ۱۹۹۰). سه جهت‌گیری یا سبک پردازش هویت شامل اجتنابی / سردرگم، اطلاعاتی و هنجاری است.

افراد دارای وضعیت هویت سردرگم از سبک پردازش هویت سردرگم / اجتنابی استفاده می‌کنند (برزونسکی و نیمیر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۴؛ استریتمتر<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳). آنها همواره تلاش می‌کنند که از مواجهه با مسائل فردی، تعارضات و تصمیمات اجتناب کنند. به نظر می‌رسد که سبک هویت سردرگم / اجتنابی با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم‌گیری غیر انطباقی، تغییرپذیری مقطعی، روان‌رنجورخویی و واکنش‌های افسرده‌گون رابطه مثبت و با آگاهی از خود، مقاومت شناختی، وظیفه‌شناسی و شاخص‌های بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد

1- Vleioras	2- Bosma
3- Berzonsky	4- Neimeyer
5- Streitmatter	6- Ferrari
7- Dollinger	8- Nurmi
9- Tammi	10- Kinney
11- Kuk	12- Sullivan

مطلوب‌تر باشد، چرا که در بردارنده احساس تعهد است. این فقط بخشی از واقعیت است: در حالی که در ادبیات وضعیت هویت، هویت موفق در مقایسه با هویت مغشوش یک وضعیت بالیده است (میوس و همکاران، ۱۹۹۹)، وضعیت دیررس در مقایسه با وضعیت زودرس، از بالیدگی بیشتری برخوردار است. لذا به نظر می‌رسد که در پارادایم وضعیت هویت این علاقه یا گرایش نتیجه حفظ تعهدات نسبت به اکتشاف انتخاب‌های هویتی است.

اریکسون به‌طور مؤکد پیامد شکل‌گیری هویت مطلوب را از نظر رشدی با قضاوت فردی مناسب، احساس یکپارچگی درونی و ظرفیت خوب عمل کردن (آنچه که می‌تواند به‌عنوان ویژگی‌های افراد سالم از نظر روان‌شناختی محسوب شود) مربوط دانست. به عبارت دیگر، نظریه سبک‌های هویت به جای تمرکز بر پیامد شکل‌گیری سبک‌ها، بر فرآیند شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند. شکاف مزبور به کمک مطالعاتی که در صدد بررسی رابطه بین سبک‌های هویت متفاوت و شاخص‌های بهزیستی هستند، پر شده است.

رویکرد اطلاعاتی با مقابله موفقیت‌آمیز با استرس و اضطراب، مقابله مسئله‌مدار و گشودگی رابطه مثبت، و با جهت‌دهی توسط دیگران، اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، تفکر آرزومندانه و فاصله‌گیری عاطفی رابطه منفی نشان می‌دهد. جهت‌گیری سردرگم با کیفیت روابط همسالان، پیشرفت تحصیلی و عزت نفس رابطه منفی و با اثرات ناتوان‌کننده اضطراب، فاصله‌گیری عاطفی، جهت‌دهی توسط دیگران، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، مشکلات سوء مصرف مواد و الکل، روان‌رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون و اختلالات خوردن و سلوک رابطه مثبت نشان می‌دهد (نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ برزونسکی، ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳).

در حالی که رابطه بین جهت‌گیری اطلاعاتی با بهزیستی مثبت و رابطه بین جهت‌گیری سردرگم با بهزیستی منفی است، رابطه بین جهت‌گیری هنجاری و بهزیستی مرز مشخص و روشنی ندارد. بنابراین، سبک هویت هنجاری ممکن است مشابه با جهت‌گیری اطلاعاتی با رفتارهای کارآمد و یا مشابه با جهت‌گیری سردرگم با اجتناب هیجانی و اثرات ناتوان‌کننده اضطراب رابطه مثبت نشان

اگرچه بعد تعهد در مدل مارسیا (۱۹۶۶)، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) توجه فردی کمی را به خود جلب کرده است، پژوهش‌های اجتماعی - شناختی زیادی (به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳؛ میوس<sup>۱</sup>، ایدما<sup>۲</sup>، هلسن<sup>۳</sup> و ولبرگ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹) نشان می‌دهد که تعهدات فردی ثابت یا قاطعیت خود<sup>۵</sup> در ارتقای کارکرد فردی و بهزیستی روان‌شناختی نقش مهمی ایفا می‌کند. در این قسمت به برخی از تفاوت‌های موجود در قدرت و وضوح معیارهای مربوط به خود، اهداف، قراردادهای و باورها که افراد در مقایسه با یکدیگر نشان می‌دهند، اشاره می‌گردد. همان‌طور که بریکمن (۱۹۸۷)، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) خاطر نشان ساخته است، «تعهد، رفتار فرد را در موقعیت‌هایی که وسوسه می‌شود به شکل دیگری رفتار کند، ثابت می‌بخشد».

تعهدات برای افراد احساس هدفمندی و جهت‌گیری به همراه داشته و به مثابه یک چارچوب مرجع عمل می‌کنند که در محدوده آنها رفتار و بازخورد کنترل، ارزیابی و تنظیم می‌گردد (بریکمن، ۱۹۸۷، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). مطالعات نشان داده‌اند که قدرت تعهد با تصمیم‌گیری سنجیده و حساب‌شده و مقابله مسأله‌مدار رابطه مثبت و با اهمال‌کاری، دلیل‌تراشی، جهت‌گیری مبتنی بر دیگری، تمایل به تجربه وحشت قبل از تصمیم و کم‌رویی کلی رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲a؛ برزونسکی و فراری، ۱۹۹۶). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که تعهد هویت با سبک‌های پردازش هویت رابطه دارد. افراد با جهت‌گیری‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری در مقایسه با افراد سردرگم/اجتنابی، تعهدات و قراردادهای فردی قوی‌تری نشان می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰).

افراد دارای هویت موفق و زودرس هر دو تعهد بالایی نشان می‌دهند، اما تعهد در افراد دارای هویت موفق بر پایه جستجوی انتخاب‌های هویتی است. افراد دیررس و مغشوش هیچ‌کدام از خود تعهد نشان نمی‌دهند. در افراد دیررس عدم تعهد به‌وسیله تداوم در فرآیند جستجوگری و در افراد مغشوش به‌وسیله عدم تلاش در جهت اکتشاف انتخاب‌های هویتی تبیین می‌شود.

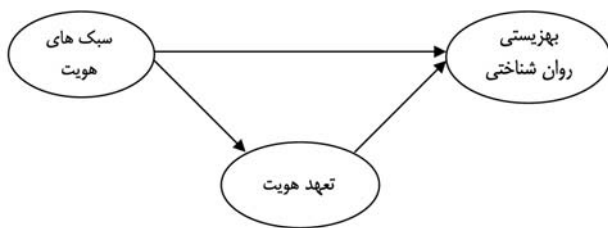
با توجه به نظریه اریکسون انتظار می‌رود که هویت موفق و زودرس از حیث رشدی در مقایسه با هویت دیررس و مغشوش

1- Meeus  
3- Helsen  
5- self-certainty

2- Iedema  
4- Vollebergh

با تأکید بر اینکه «سلامت مثبت چیزی فراتر از فقدان بیماری است» (ریف و سینگر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶)، ریف (۱۹۸۹) پیشنهاد کرد که بهزیستی روان‌شناختی به آنچه فرد برای بهزیستی به آن نیاز دارد اشاره می‌کند (در مقابل، ایده بهزیستی ذهنی به احساس بهزیستی اشاره می‌کند). این تعریف با ویژگی‌های افراد با شخصیت سالم از نظر اریکسون هم‌بندی قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد. ریف (همان‌جا) به منظور تعریف معیارهای بهزیستی روان‌شناختی، مطالعات مزو درباره خودشکوفایی، مطالعات راجرز در مورد انسان با کنش کامل، تحقیقات یونگ درباره تفرد و همچنین دیدگاه آلپورت درباره بالیدگی و الگوی اریکسون از رشد روانی - اجتماعی، دیدگاه بوهرلر درباره تمایلات اساسی زندگی، دیدگاه نیوگارتن درباره تغییر شخصیت در بزرگسالی و ملاک‌های مثبت سلامت روانی از دیدگاه جاهودا را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است (ریف، ۱۹۸۹؛ ریف و سینگر، ۱۹۹۶).

ریف (۱۹۸۹) دریافت که محققان فوق درباره معیارهایی از قبیل دیدگاه مثبت نسبت به خود (پذیرش خود<sup>۴</sup>)، توانایی ایجاد بافت‌هایی منطبق با وضعیت روان‌شناختی خود (تسلط محیطی<sup>۵</sup>)، روابط گرم و قابل اعتماد با دیگران (روابط مثبت با دیگران<sup>۶</sup>)، هدفمندی و احساس جهت‌داشتن (هدف در زندگی<sup>۷</sup>)، رشد پیوسته توانایی‌های بالقوه فردی (رشد فردی<sup>۸</sup>) و مستقل بودن (استقلال<sup>۹</sup>) اتفاق نظر دارند. ملاک‌های فوق با کنش‌وری مثبت از قبیل رضایت از زندگی رابطه مثبت و با کنش‌وری‌هایی از قبیل افسردگی رابطه منفی نشان می‌دهد (ریف و سینگر، ۱۹۹۶). علاوه



شکل ۱- الگوی اولیه

- |                          |                                   |
|--------------------------|-----------------------------------|
| 1- Ryff                  | 2- Keyes                          |
| 3- Singer                | 4- self-acceptance                |
| 5- environmental mastery | 6- positive relations with others |
| 7- purpose in life       | 8- personal growth                |
| 9- autonomy              |                                   |

دهد (برزونسکی، ۱۹۹۲۵). در نهایت برخلاف جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری با مقابله مبتنی بر مسئله و پذیرش به‌عنوان حوزه‌های هسته‌ای خود رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰).

در مطالعه برزونسکی و کاک (۲۰۰۵)، در حالی که دانشجویان دختر در مقایسه با دانشجویان پسر روابط بین فردی صمیمانه‌تر و تحمل بیشتر عقاید دیگران را گزارش کردند، در مقابل پسران نسبت به دختران سبک زندگی سالم‌تری نشان دادند. نتایج مطالعه آنان همچنین نشان داد که دانشجویان با سبک اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان با سبک‌های هویت هنجاری و سردرگم در مقیاس‌های خودمختاری تحصیلی، خودبستگی، مهارت‌های مدیریت مؤثر زندگی، احترام و تحمل افراد متفاوت از خود، ایجاد روابط صمیمانه، استقلال هیجانی و اعتماد به نفس نمرات بالاتری گزارش کردند. همچنین، در مقایسه با دانشجویان با سبک هویت سردرگم، دانشجویان با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های اهداف تحصیلی، واقع‌بینی، نقشه‌های طولانی‌مدت درباره زندگی و اهداف و روابط پایدار با همسالان خود نمرات بالاتری نشان دادند. علاوه بر این، نتایج مطالعه فوق نشان داد که دانشجویان اطلاعاتی در مقایسه با دانشجویان سردرگم سالم‌تر بوده، از سبک زندگی بهتری برخوردارند. نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) نشان داد که اجتناب از مواجهه با موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه منفی دارد، در حالی که وقتی فرد یا افراد با موضوعات هویت مواجه می‌شوند، شیوه ترجیحی آنان در مواجهه با موضوعات هویت با اهمیت به نظر نمی‌رسد؛ به عبارت دیگر، بین افراد با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری در مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد.

در مجموع، مطالعات قبلی بر روی سبک‌های هویت و بهزیستی عمدتاً بر شاخص‌های رفتارهای انطباقی و غیرانطباقی و شاخص‌های منفی بهزیستی مبتنی بوده است. به نظر می‌رسد آنچه گفته شد فقط بخش‌هایی از مواردی باشند که اریکسون به‌عنوان ویژگی‌های بهزیستی مطرح کرده است. بر این اساس، مطالعه الگوی بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹)، به‌نقل از ریف<sup>۱</sup> و کیز<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مخالف=۲؛ تاحدودی موافق=۳؛ موافق=۴؛ کاملاً موافق=۵) مشخص می‌شود. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی و تعهد هویت به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۵۳، ۰/۶۵ و ۰/۷۲ به دست آمد. فیض‌آبادی، فرزاد و شهرآرای (زیر چاپ) با هدف بررسی رابطه هم‌مدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی ضرایب آلفای قابل قبولی را برای ISI-6G در سطوح سه‌گانه سبک‌های هویت و عامل تعهد هویت گزارش کردند.

**ب) مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی<sup>۲</sup> (PWB):** در این پژوهش به منظور بررسی بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده شد. در این مقیاس‌ها پاسخ به هر سؤال بر روی یک طیف شش‌درجه‌ای (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) مشخص می‌شود. هر مقیاس شامل ۱۴ سؤال بوده که ابعاد بهزیستی روان‌شناختی مدل ریف (همان‌جا) مشتمل بر پذیرش خود، تسلط محیطی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی و استقلال را ارزیابی می‌کند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه اصلی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی قابل قبول گزارش شدند (همان‌جا). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی پذیرش خود، تسلط محیطی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی، رشد فردی و استقلال به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۶۰ به دست آمد.

### روش اجرا

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. بعد از انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها، پرسشنامه سبک‌های هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی برای پاسخگویی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در دستورالعمل این پرسشنامه‌ها ضمن ارائه راهنمایی لازم در خصوص نحوه پاسخدهی، به این نکته اشاره گردید که دانشجویان از درج نام و نام خانوادگی خودداری نمایند.

بر این معیارهای مورد نظر با سلامت زیستی نیز رابطه نشان می‌دهند (ریف و سینگر، ۲۰۰۲).

بر این اساس، به منظور پیش‌بینی احتمال وجود رابطه بین متغیرها و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی، نخست با توجه به یافته‌ها و پیشینه پژوهش، الگویی برگزیده شده و پس از ارزیابی روابط متغیرها در قالب یک مدل علی و سنجش معنی‌داری روابط هر یک از متغیرها، به برآورد ضرایب و به دنبال آن برازش الگو پرداخته می‌شود. الگوی اولیه که سعی در برازش آن بوده است، در نمودار ۱ ارائه شده است.

### روش

در این مطالعه مقطعی، جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های شهر بیرجند بود که در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ مشغول به تحصیل بودند. از بین دانشجویان ۳۷۶ نفر (۱۵۸ پسر و ۲۱۶ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. دانشجویان از رشته‌های مختلف تحصیلی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی در این پژوهش شرکت کردند. میانگین کلی سن دانشجویان ۲۱/۵۷ (انحراف معیار ۴/۰۶، دامنه ۱۸-۴۵)، میانگین سنی دانشجویان پسر ۲۲/۱۳ (انحراف معیار ۴/۹۸، دامنه ۱۸-۴۵) و میانگین سنی دانشجویان دختر ۲۱/۱۶ سال (انحراف معیار ۳/۱۷، دامنه ۱۸-۴۲) بود.

### ابزارها

**الف) پرسشنامه سبک‌های هویت<sup>۱</sup> (ISI-6G):** پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرآیندهای شناختی-اجتماعی که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. براساس دیدگاه برزونسکی (همان‌جا) نوجوانان سه جهت‌گیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سؤال است. پاسخ هر سؤال بر روی یک طیف پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱،

1 - Identity Style Inventory  
2 - Psychological Well-Being Scales

همچنین اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر متغیر درون‌زای وابسته (استقلال)  $0/23$  به‌دست آمد که معنادار است. واریانس تبیین‌شده متغیر درون‌زای مستقل (تعهد هویت) از طریق متغیرهای برون‌زا  $0/67$  می‌باشد. شکل ۲ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد. پس از برآورد پارامترها برازش الگو اندازه‌گیری می‌شود. کرلینجر و پدهازر (۱۹۸۲)، ترجمه‌سرایبی، (۱۳۸۴) تأکید می‌کنند که مدل‌های مشخص دو دسته‌اند: کاملاً مشخص<sup>۱</sup> و فرامشخص<sup>۲</sup>. یک مدل کاملاً مشخص مدلی اشباع شده<sup>۳</sup> است، یعنی تعداد پارامترهای آزاد یا عناصر مجهول آن مساوی عناصر معلوم در ماتریس واریانس - کوواریانس می‌باشد. این‌گونه مدل آزمون پذیر نیست و محقق نمی‌تواند نیکویی برازش<sup>۴</sup> آن را بیازماید.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای تحلیل مسیر، اندازه‌گیری اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر است. نتایج نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب  $0/08$ ،  $0/08$  و  $0/08$  - و اثر کل آنها به ترتیب  $0/19$ ،  $0/05$  - و  $0/20$  - می‌باشد. اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا معنادار می‌باشند.

## یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) برای دختران، پسران و کل نمونه ( $n=376$ ) مورد بررسی در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۲، همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی را نشان می‌دهد. از آنجا که در این پژوهش هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های هویت، تعهد هویت و تعیین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم این متغیرها بر هر یک از مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی است، لذا از الگوی تحلیل مسیر استفاده می‌شود.

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) بر متغیر استقلال نشان داد که الگو  $0/10$  از واریانس مقیاس استقلال را تبیین می‌کند. متغیرهای برون‌زای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم به ترتیب با ضرایب رگرسیونی برابر با  $0/27$ ،  $0/35$  و  $0/34$  - اثری معنادار بر تعهد هویت (متغیر درون‌زای مستقل) نشان دادند.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های دانشجویان در سبک‌های هویت، تعهد هویت و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک جنس

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)	
	پسر	دختر
سبک‌های هویت		
اطلاعاتی	۳۹/۲۱ (۶/۴۵)	۳۹/۲۹ (۵/۵۵)
هنجاری	۳۰/۹۷ (۶/۰۴)	۳۱/۶۱ (۴/۷۸)
سردرگم / اجتنابی	۲۶/۱۷ (۵/۴۶)	۲۵/۶۲ (۵/۷۲)
تعهد هویت	۳۶/۲۸ (۵/۸۳)	۳۶/۶۶ (۵/۷۴)
بهزیستی روان‌شناختی		
استقلال	۵۱/۳۱ (۸/۵۵)	۵۰/۴۵ (۷/۴۷)
تسلط محیطی	۵۴/۷۰ (۱۰/۵۲)	۵۶/۱۲ (۹/۳۹)
رشد فردی	۵۸/۶۷ (۱۰/۰۵)	۶۱/۶۱ (۸/۰۳)
روابط مثبت با دیگران	۵۴/۹۵ (۱۱/۵۰)	۵۸/۴۵ (۹/۸۶)
هدف زندگی	۵۷/۸۵ (۱۰/۲۵)	۵۹/۴۵ (۹/۵۵)
پذیرش خود	۵۲/۲۱ (۱۱/۱۱)	۵۳/۳۶ (۱۰/۶۷)
کل	۳۹/۲۴ (۵/۹۴)	۳۱/۳۴ (۵/۳۴)

1- just-identified  
3- saturated

2- over-identified  
4- goodness of fit

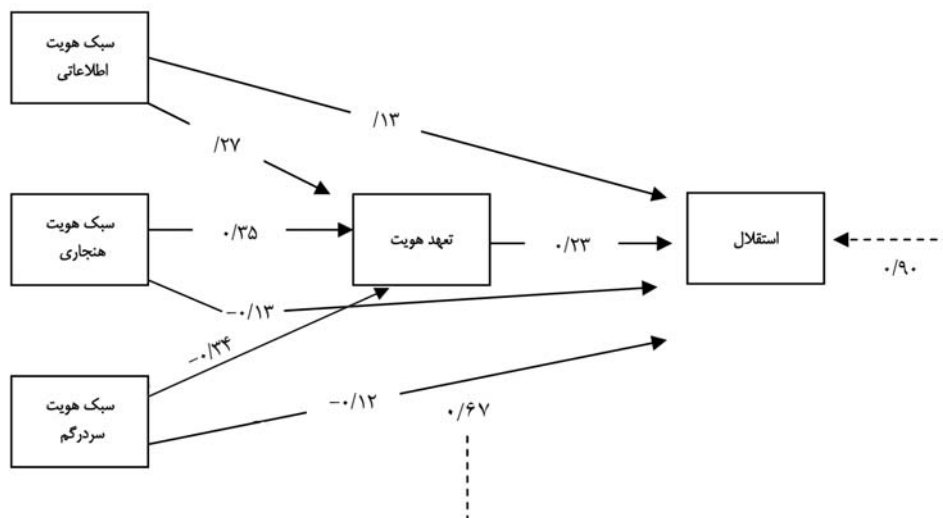
جدول ۲- ماتریس همبستگی بین سبک‌های هویت، تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- سبک اطلاعاتی									
۲- سبک هنجاری	۰/۵۱**								
۳- سبک سردرگم / اجتنابی	-۰/۱۲*	-۰/۲۲**							
۴- تعهد هویت	۰/۴۱**	۰/۴۱**	-۰/۲۳**						
۵- استقلال	۰/۱۳**	-۰/۰۰۲	-۰/۱۸**	۰/۲۵**					
۶- تسلط محیطی	۰/۳۲**	۰/۲۱**	-۰/۱۵**	۰/۴۷**	۰/۵۲**				
۷- رشد فردی	۰/۳۵**	۰/۱۸**	-۰/۱۴**	۰/۳۵**	۰/۳۸**	۰/۵۹**			
۸- روابط مثبت با دیگران	۰/۲۵**	۰/۱۷**	-۰/۰۹	۰/۳۶**	۰/۳۸**	۰/۶۲**	۰/۴۷**		
۹- هدف زندگی	۰/۳۱**	۰/۲۳**	-۰/۲۳**	۰/۴۷**	۰/۴۶**	۰/۷۲**	۰/۶۸**	۰/۵۵**	
۱۰- پذیرش خود	۰/۲۶**	۰/۲۰**	-۰/۰۶	۰/۴۳**	۰/۴۷**	۰/۷۰**	۰/۵۴**	۰/۵۹**	۰/۷۱**

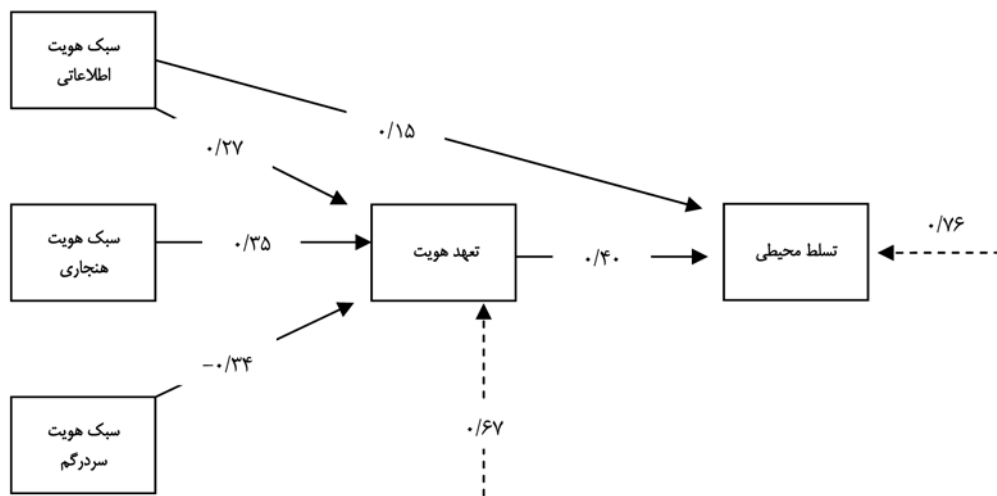
\*  $p < 0.05$  ، \*\*  $p < 0.01$

به دست آمد که معنادار است. شکل ۳ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد. پس از برآورد پارامترها، برازش الگو اندازه‌گیری شد. از مجموع آماره‌های برازش چهار شاخص AGFI، GFI، RMSEA و Chi-Square از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این الگو  $GFI=1$ ،  $AGFI=0.99$  و  $RMSEA=0.00$  به دست آمد که برازش کامل الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد. آماره‌های دو میزان تفاوت ماتریس مشاهده شده و برآورد شده را اندازه‌گیری می‌کند که در این الگو معنادار نبود.

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر تسلط محیطی (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو ۰/۲۴ از واریانس مقیاس تسلط محیطی را تبیین می‌کند. همان‌طور که اشاره شد متغیرهای برون‌زای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم به ترتیب با ضرایب رگرسیونی برابر با ۰/۲۷، ۰/۳۵ و ۰/۳۴- اثری معنادار بر متغیر درون‌زای مستقل (تعهد هویت) نشان دادند. این ضرایب در الگوهای دیگر نیز تکرار می‌گردد، لذا از اشاره مجدد به آن در الگوهای بعدی صرف‌نظر می‌شود. اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر متغیر درون‌زای وابسته (تسلط محیطی) ۰/۴۰



شکل ۲- الگوی تحلیل مسیر برای استقلال



شکل ۳- الگوی تحلیل مسیر برای تسلط محیطی

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر روابط مثبت با دیگران (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو ۰/۱۴ از واریانس مقیاس روابط مثبت با دیگران را تبیین می‌کند. اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر متغیر درون‌زای وابسته (روابط مثبت با دیگران) ۰/۳۰ به‌دست آمد که معنادار است. شکل ۵ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد.

در این الگو  $GFI=1$ ،  $AGFI=0.99$  و  $RMSEA=0.00$  به‌دست آمد که برازش کامل الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد. در این الگو نیز نتیجه آزمون  $\chi^2$  دو معنادار نبود.

اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب ۰/۰۸، ۰/۱۱ و ۰/۱۰- و اثر کل آنها به ترتیب ۰/۲۱، ۰/۱۱ و ۰/۱۰- می‌باشد. در این الگو اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا نیز معنادار می‌باشند.

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر متغیر هدف در زندگی (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو ۰/۲۶ از واریانس مقیاس هدف در زندگی را تبیین می‌کند. اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر متغیر

اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب ۰/۱۱، ۰/۱۴ و ۰/۱۴- و اثر کل آنها به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۱۴ و ۰/۱۴- می‌باشد. اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا معنادار می‌باشند.

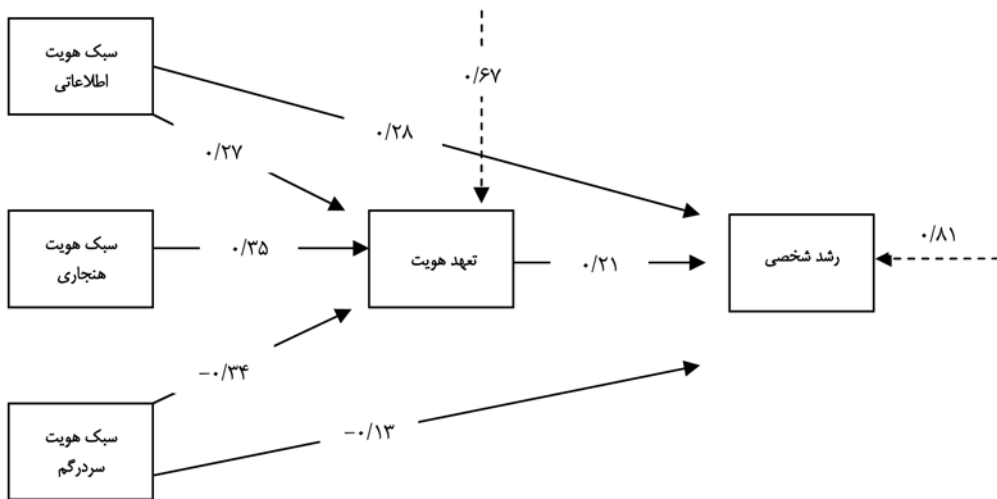
اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر رشد فردی (متغیر درون‌زای تعهد هویت و متغیرهای برون‌زای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو ۰/۱۹ از واریانس مقیاس رشد فردی را تبیین می‌کند.

اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر متغیر درون‌زای وابسته (رشد فردی) ۰/۲۱ به‌دست آمد که معنادار است. شکل ۴ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد.

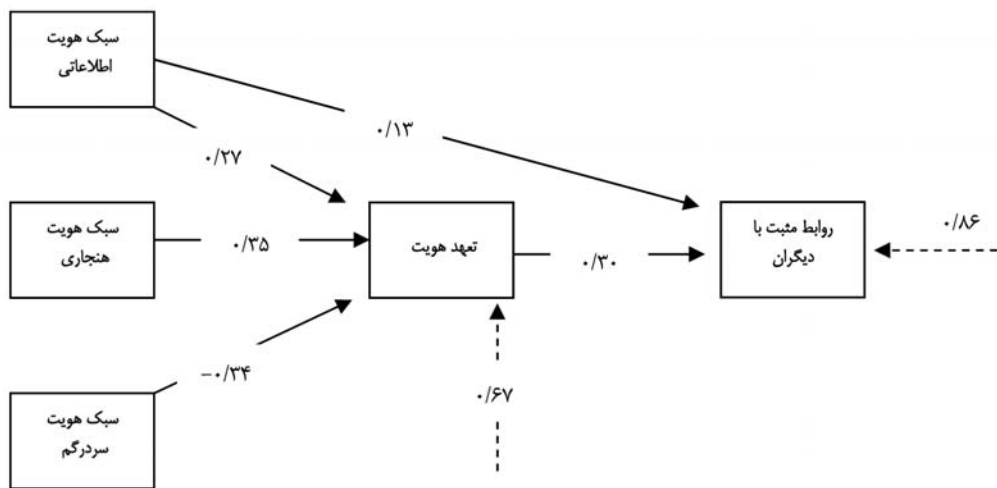
در این الگو  $GFI=1$ ،  $AGFI=0.99$  و  $RMSEA=0.00$  به‌دست آمد که برازش کامل الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد که در این الگو معنادار نبود.

اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب ۰/۰۶، ۰/۰۷ و ۰/۰۷- و اثر کل آنها به ترتیب ۰/۳۴، ۰/۰۷ و ۰/۲۰- به دست آمد. در این الگو اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا نیز معنادار می‌باشند.

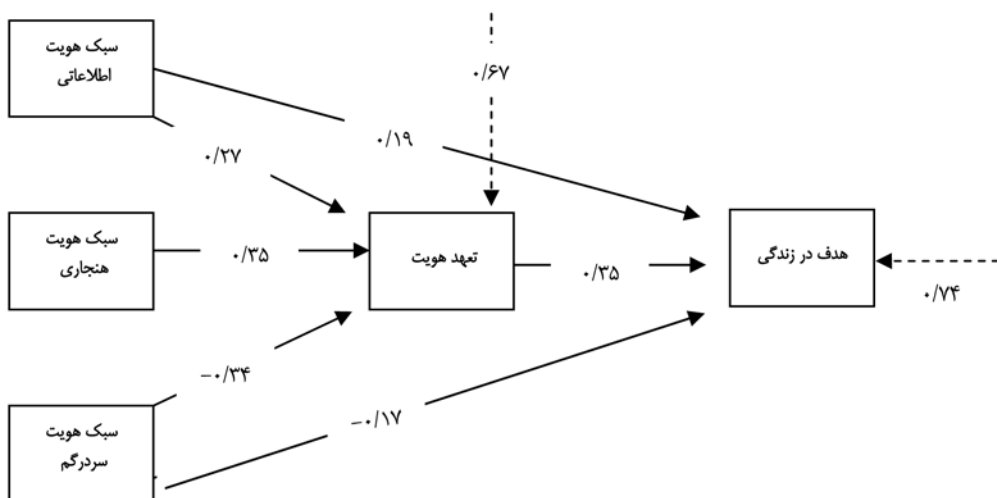




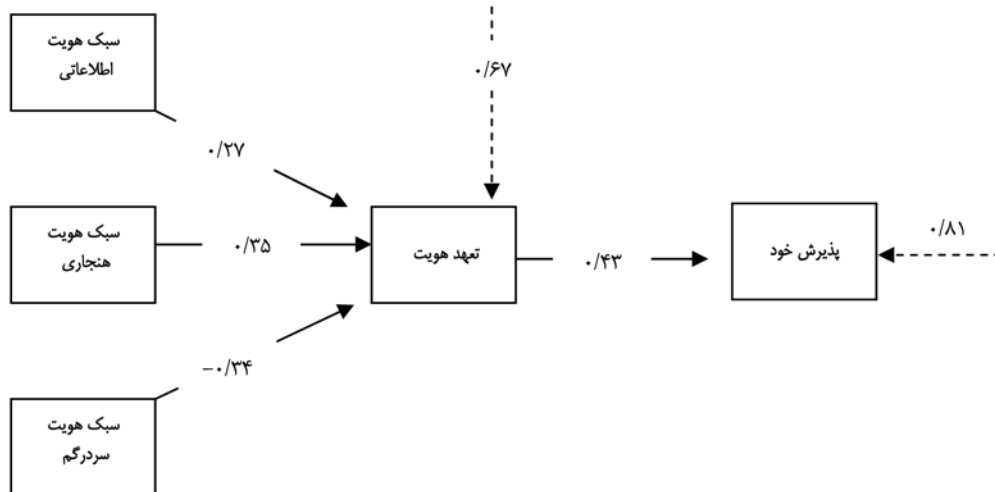
شکل ۴- الگوی تحلیل مسیر رشد شخصی



شکل ۵- الگوی تحلیل مسیر برای روابط مثبت با دیگران



شکل ۶- الگوی تحلیل مسیر برای هدف زندگی



شکل ۲- الگوی تحلیل مسیر برای پذیرش خود

اثر کل آنها به ترتیب  $0/12$ ،  $0/15$  و  $-0/15$  می‌باشد. در این الگو اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا نیز معنادار می‌باشند.

### بحث

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار؛ بین سبک هویت هنجاری با مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار (به جز مقیاس استقلال که رابطه منفی و غیرمعنادار است)؛ و بین سبک هویت سردرگم با مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی و هدف در زندگی رابطه منفی و معنادار و با مقیاس‌های روابط مثبت با دیگران و پذیرش خود رابطه منفی و غیرمعنادار وجود دارد. همچنین بین تعهد هویت و مقیاس‌های ششگانه بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار به‌دست آمد. بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار، و بین سبک سردرگم / اجتنابی با تعهد هویت رابطه منفی و معنادار وجود داشت.

نتایج الگوهای تحلیل مسیر نیز نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران و هدف در زندگی اثر مثبت و معنادار؛ سبک هویت هنجاری بر تعهد اثر مثبت و معنادار و بر استقلال اثر منفی و معنادار، و سبک هویت سردرگم / اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی و معنادار نشان داد. اثر غیرمستقیم سبک هویت اطلاعاتی از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال،

درون‌زای وابسته (هدف در زندگی)  $0/35$  به‌دست آمد که معنادار است. شکل ۶ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد.

در این الگو  $GFI=1$ ،  $AGFI=99$  و  $RMSEA=0/00$  به‌دست آمد که برازش کامل الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد. در این الگو نیز نتیجه آزمون خی‌دو معنادار نبود.

اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب  $0/09$ ،  $0/12$  و  $-0/12$  و اثر کل آنها به ترتیب  $0/28$ ،  $0/12$  و  $-0/29$  می‌باشد. در این الگو اثرات غیر مستقیم و کل متغیرهای برون‌زا نیز معنادار می‌باشند.

اثر متغیرهای برون‌زا و درون‌زای مستقل پژوهش بر متغیر پذیرش خود (متغیر درون‌زا تعهد هویت و متغیرهای برون‌زا، سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی) نشان داد که الگو  $0/19$  از واریانس مقیاس هدف در زندگی را تبیین می‌کند. اثر متغیر درون‌زای مستقل پژوهش (تعهد هویت) بر درون‌زای وابسته (هدف در زندگی)  $0/43$  به‌دست آمد که معنادار است. شکل ۷ الگوی تحلیل مسیر را پس از محاسبه ضرایب مسیر و اثرات مستقیم بین متغیرها نشان می‌دهد.

در این الگو  $GFI=1$ ،  $AGFI=98$  و  $RMSEA=0/03$  به‌دست آمد که برازش کامل الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد. در این الگو نیز نتیجه آزمون خی‌دو معنادار نبود.

اثرات غیر مستقیم و کل متغیرها بر یکدیگر نشان می‌دهد که اثر غیر مستقیم متغیرهای برون‌زا به ترتیب  $0/12$ ،  $0/15$  و  $-0/15$  و

این مثال‌ها به روشنی نشان می‌دهند که چگونه تعهد ممکن است بر کارکرد شخصی و بهزیستی به طرق متفاوتی تأثیر بگذارد. برای مثال، افرادی که از دیدگاه‌ها و باورهای روشن و ثابت درباره خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند بی‌بهره‌اند، دنیا را بی‌نظم، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل تلقی می‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که شیوه انطباق مؤثر فردی و رفتارهای منظم شخصی از تعهدات مورد نظر تأثیرپذیر است (برزونسکی، ۱۹۹۸). تعهدات خود هم در ایجاد احساس هدفمندی و جهت‌دار بودن فعالیت‌ها مؤثرند و هم به‌عنوان معیارها و استانداردهایی برای افراد در نظر گرفته می‌شوند. فقدان تعهدات و اعتقادات پایدار، افراد را در یک وضعیت کاملاً آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. در واقع، مطالعات مختلف خاطرنشان دهند که افراد سردرگم در مقایسه با همتایان اطلاعاتی و هنجاری خود، دچار رفتارهای متنوع مشکل‌آفرین و مشکلاتی نظیر اختلالات خوردن، الکل و مشکلات مرتبط با کار، روان‌رنجورخویی، واکنش‌های افسرده‌گون و شروع زود هنگام مصرف مواد غیرمجاز و الکل می‌شوند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰؛ دولینگر، ۱۹۹۵؛ جونز<sup>۱</sup>، راس<sup>۲</sup> و هارتمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲؛ نورمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ ویلر<sup>۴</sup>، آدامز<sup>۵</sup> و کیتینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱؛ وایت<sup>۷</sup> و جونز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶).

لذا تبیین این موضوع که چرا شیوه مواجهه افراد با موضوعات مربوط به هویت مهم است نیز نیازمند توجه است. برزونسکی (۲۰۰۳) در تبیین این یافته بیان می‌کند که تعهدات هنجاری در مقایسه با تعهدات اطلاعاتی به احتمال زیاد درون‌مایه هیجانی دارند. اعتقاد به جهت‌گیری هنجاری ممکن است آنچه را که لانگر و همکاران (چانوویتز و لانگر، ۱۹۸۱، لانگر، ۱۹۸۹، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) تعهدات شناختی زودرس می‌نامند، افزایش دهد. تعهدات شناختی زودرس بدون فکر و بدون پردازش و ارزیابی انتقادی از اطلاعات مربوط به خود افراد صورت می‌گیرد: این نوع تعهد مبتنی بر هیجان بوده که البته شواهد کمی از آن حمایت کرده است (لانگر، ۱۹۸۹؛ به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). در موقعیت‌هایی خوش‌ساختار که در آن مشکلات،

تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار؛ اثر غیر مستقیم سبک هویت هنجاری از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود مثبت و معنادار و اثر غیر مستقیم سبک هویت سردرگم/اجتنابی از طریق تعهد بر مقیاس‌های استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، هدف در زندگی و پذیرش خود منفی و معنادار به‌دست آمد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش ولوراس و بوسما (۲۰۰۵) درباره رابطه منفی بین سبک سردرگم و مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی همسو و درباره رابطه مثبت سبک هویت اطلاعاتی با مقیاس‌های بهزیستی ناهمسو است. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش ولوراس و بوسما (همان‌جا) نشان داد که اجتناب از موضوعات مربوط به هویت با بهزیستی رابطه منفی نشان می‌دهد، در حالی که شیوه مواجهه افراد با مسائل مربوط به هویت اهمیت چندانی ندارد.

بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر تأکید می‌کند که نه تنها وجود یا عدم وجود تعهد بلکه شیوه مواجهه با موضوعات مربوط به هویت نیز اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. به عبارت دیگر، اگر صرف وجود تعهد برای تضمین بهزیستی افراد کافی بود، سبک هویتی هنجاری نیز مانند سبک اطلاعاتی، مقیاس‌های بهزیستی را پیش‌بینی می‌کرد.

نتایج پژوهش حاضر درباره رابطه منفی بین سبک هویت سردرگم با بهزیستی روان‌شناختی، نقش میانجی‌گر عامل تعهد را مورد توجه قرار می‌دهد. بی‌تردید مفهوم تعهد جزء لاینفک وضعیت‌های هویت است. میوس (۱۹۹۶) و میوس و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که افراد با هویت موفق در مقایسه با افراد با هویت مغشوش از بهزیستی بیشتری برخوردار هستند. برزونسکی (۱۹۹۰) در تبیین رابطه منفی بین سبک سردرگم با بهزیستی بر رابطه مثبت بین این سبک و اهمال‌کاری در تصمیم‌گیری و رفتار تأکید کرد. برزونسکی (۱۹۹۰، b، ۱۹۹۲، ۲۰۰۳) نشان داد که افراد با سبک‌های پردازش هنجاری و اطلاعاتی در مقایسه با همتایان سردرگم/اجتنابی خود تعهدات هویتی نیرومندتر و خودآشکارسازی بیشتری دارند.

1- Jones  
3- Hartmann  
5- Adams  
7- White

2- Ross  
4- Wheeler  
6- Keating  
8- Jones

امید شگری و همکاران

احتیاط، از اینکه بخواهند پاسخگو باشند احساس نگرانی می‌کنند و وظایف خود را در حالی که با معیارهای هنجاری مشخص می‌شوند انجام می‌دهند. این افراد به امنیت بالایی نیاز دارند و در تلاش هستند که همواره از تجربه شکست، اشتباه و خسران پرهیزند. آنها برای پیروزشدن بازی نمی‌کنند بلکه برای جلوگیری از تجربه شکست و بازنده‌شدن بازی می‌کنند (همان‌جا).

در مقابل، ناهماهنگی‌های بین ملاحظات فردی مبتنی بر اطلاعات درباره اینکه یک فرد به‌طور ایده آل دوست دارد چگونه باشد و اینکه در عمل چگونه است نیز در ایجاد احساسات نامیدی و نارضایتی مؤثر است. ناهمخوانی‌های خود واقعی و خود ایده‌آل با آنچه هیگینز «خودکنترلی مبتنی بر ارتقا»<sup>۷</sup> می‌نامد در ارتباط است. این افراد متمایلند که به اهداف و معیارهای مهم خود دست یافته و برای تجربه پیروزی به استقبال خطر روند (هیگینز، ۱۹۹۷).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر بر این نکته تأکید می‌کند که بهزیستی روان‌شناختی نه تنها به مواجهه با مسائل مربوط به هویت بلکه به شیوه مواجهه با مسائل مربوط به هویت وابسته است. به عبارت دیگر، از نقطه‌نظر بهزیستی روان‌شناختی، بین افرادی که به جستجوی سؤالات هویتی خود می‌پردازند و کسانی که تنها به پذیرش هنجارها تن می‌دهند تفاوت زیادی وجود دارد. بی‌تردید نتایج پژوهش حاضر همسو با ادبیات پژوهش بر نقش بااهمیت تعهد هویت تأکید می‌کند. اما اهمیت آن به شیوه‌های متفاوتی قابل ردیابی است. در پایان می‌توان اشاره کرد که برخی از مهمترین چالش‌های فراسوی محققان علاقه‌مند به موضوع هویت، عبارت است از تلاش در راستای ایجاد و یا فراهم‌سازی بستر مناسب به‌منظور تبیین نقش ویژه‌ای که تعهد هویت در قلمروهای عملکرد افراد و بهزیستی آنها به همراه دارد؛ و همچنین ارائه روش‌هایی در جهت عملیاتی کردن این سازه.

تقاضاها و معیارها نسبتاً ثابت و تعهدات نیرومند است، بایستی کارکرد مؤثر بدون توجه به اساس منطقی آن افزایش یابد. با این حال، تعهد مبتنی بر هیجان ممکن است در موقعیت‌هایی که به‌وسیله بی‌ثباتی و تغییر نسبی مشخص می‌شوند مشکل‌آفرین باشد، به ویژه آن هنگام که کارکرد انطباقی به توانایی ارزیابی مجدد مسائل و نادیده گرفتن انتظارات قراردادی و مقابله به شیوه کارآمد و منعطف وابسته باشد.

احتمال دیگر به کمک نظریه خود مختاری دسی<sup>۱</sup> و ریان<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) ارائه شده است. آنها معتقدند که فرآیندهای نظارتی به طرق متفاوتی شامل درون فکنی (که یک فرآیند هنجاری است) و انسجام (که بیشتر اطلاعاتی است) درونی می‌شوند. درون فکنی دربردارنده درونی‌ساختن و بازنمایی معیارها، اهداف و ارزش‌های «دیگران مهم» است که به‌صورت خودآیند اتفاق می‌افتد. با این وجود، چنین تعهداتی به‌طور کامل از طرف فرد پذیرفته نمی‌شود؛ رفتار و اعمال فردی از طریق نگرانی‌های وابسته به احساس گناه، تأیید و آنچه فرد باید انجام دهد، انگیخته می‌شود (دسی، اقراری<sup>۳</sup>، پاتریک<sup>۴</sup> و لئون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴). در مقابل، انسجام مستلزم آن است که ارزش‌ها، اهداف و معیارها به‌طور سنجیده و حساب شده‌ای در درون احساس مرکزی فرد از خود پردازش، ارزیابی و بازساختاردهی شوند (دسی و ریان، ۱۹۹۱). عمل مبتنی بر خودکنترلی انسجام‌یافته بر انتخاب‌های آگاهانه مبتنی بوده و ماهیتی تأملی، اختیاری و خودتعیین‌شده دارد (همان‌جا).

در راستای آنچه گفته شد یک نوع از ناهمخوانی‌های خود، به‌وسیله تعهدات مبتنی بر هنجارها و اطلاعات حاصل می‌گردد. نظریه ناهمخوانی خود هیگینز<sup>۶</sup> (۱۹۸۷)، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳ (فرض می‌کند که خودگردانی از طریق ناهماهنگی‌های بین انواع متفاوت معیارهای خود که افراد در اختیار دارند، به‌وجود می‌آید. او خاطر نشان ساخته است که ناهمخوانی‌های بین آنچه افراد فکر می‌کنند باید انجام دهند - معیارهای هنجاری - و اینکه آنها چگونه عمل می‌کنند در ایجاد احساسات گناه و تنفر از خود مؤثر بوده (هیگینز، کلاین و استرامن، ۱۹۸۵، به‌نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳) و در نهایت در انگیختن خودکنترلی مبتنی بر احتیاط نیز اثرگذار به‌نظر می‌رسند (هیگینز، ۱۹۹۷). افراد با خودکنترلی مبتنی بر

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۱۲/۸؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۴/۱

1- Deci  
2- Ryan  
3- Eghrari  
4- Patrick  
5- Leone  
6- Higgins  
7- promotion-based self-regulation

## منابع

- کرلینجر، ف. ن.، و پدهازر، ا. (۱۳۸۴). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری. ترجمه حسن سرایی. تهران: انتشارات سمت.
- فیض آبادی، ز.، فرزاد، و.، و شهرآرای، م. (زیر چاپ). بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی. *مجله مطالعات روانشناختی*.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 267-281.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R. A. Neimeyer (Eds.). *Advances in Personal Construct Psychology* (vol. 1, pp. 155-186). Greenwich CT: JAI.
- Berzonsky, M. D. (1992a). Identity style and coping strategies. *Journal of Personality, 60*, 771-788.
- Berzonsky, M. D. (1992b). *Identity style inventory*. Unpublished measure, State University of New York, Cortland.
- Berzonsky, M. D. (1998). A self-regulatory model of identity development. Paper presented at the biennial meetings of the International Society for the Study of Behavioral Development, Berne, Switzerland.
- Berzonsky, M. D. (2002). Identity processing styles, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. Paper presented in the workshop "Social Cognition in Adolescence: It's Developmental Significance", Groningen, the Netherlands.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity: An International Journal of Theory and Research, 3*(2), 131-142.
- Berzonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences, 20*, 597-606.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2000). Identity status and identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15*(1), 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological Maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences, 39*, 235-247.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality, 28*, 425-435.
- Berzonsky, M. D., & Sullivan, C. (1992). Social-cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection. *Journal of Adolescent Research, 7*, 140-155.
- Deci, E. L., Eghrari, H., Patrick, B. C., & Leone, D. R. (1994). Facilitating internalization: The self-determination theory perspective. *Journal of personality, 62*, 119-142.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1991). A motivational approach to self: Integration in personality. In R. Dienstbier (Ed.), *Nebraska, symposium on motivation* (pp. 237-288). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Dollinger, S. M. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality, 29*, 475-479.
- Higgins, E. T. (1997). Beyond pleasure and pain. *American Psychologist, 52*, 1280-1300.
- Jones, R. M., Ross, C. N., & Hartmann, B. R. (1992). An investigation of cognitive style and alcohol/work-related problems among naval personnel. *Journal of Drug Education, 22*, 241-251.
- Meeus, J., Iedema, M., Helsen, M., & Vollebergh, W. (1999). Patterns of adolescent identity development: Review of literature and longitudinal analysis. *Developmental Review, 1*, 419-461.
- Meeus, W. (1996). Studies on identity development in adolescence: An overview of research and some new data. *Journal of Youth and Adolescence, 25*, 569-598.
- Nurmi, J.-E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A. (1997). Identity processing orientation, cognitive and behavioural strategies and well-being. *International Journal of Behavioral Development, 21*, 555-570.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology, 57*, 1069-1081.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology, 69*(4), 719-727.

- Ryff, C. D., & Singer, B. (1996). Psychological well-being meaning measurement and implications for psychotherapy research. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 65, 14-23.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (1998). The contours of positive human health. *Psychological Inquiry*, 19, 1-28.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (2002). From social structure to biology: Integrative science in pursuit of human health and well-being. In C. R. Snyder, & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of Positive Psychology* (pp. 541-554). Oxford: University Press.
- Streitmatter, J. (1993). Identity status and identity style: A replication study. *Journal of Adolescence*, 16, 211-215.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28 (3), 397-409
- Wheeler, H. A., Adams, G. R., & Keating, L. (2001). Being eating as a means for evading identity issues: The association between an avoidance identity style and bulimic behavior. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 1, 161-178.
- White, J. M., & Jones, R. M. (1996). Identity styles of male inmates. *Criminal Justice and Behavior*, 23, 490-504.